Journal of Civilization History
Vol 1, Issue 1, Ser 1, 2026

OPEN ACCESS

DOI: 10.22099/JCHR.2025.53448.1012

World Heritage Site of the Sasanian Archaeological Landscape of Fars: Approaches to Sustainable Development

Alireza Askari Chaverdi*

Abstract

The Sasanian Empire was one of the two major ancient Iranian empires that shaped a significant part of the history of the ancient Near East. For four centuries, this empire ruled over various parts of Asia and was considered a serious rival to the Roman Empire. Firūzābād, Bishapūr, and Sarvestān were the homeland of the first rulers of this dynasty. Sustainable development strategies, informed by archaeological approaches, have been derived from this landscape, both as values of Sasanian cultural heritage and as tools for sustainable development. The author has identified these values as the criteria for the inscription of the Sasanian Archaeological Landscape of Fars on the World Heritage List and ultimately proposes that the key to the vitality and sustainable development of the Sasanian landscape lies in preserving these values through inter-university scientific collaboration within the framework of a coherent academic project. These criteria are as follows: the Sasanian Archaeological Landscape of Fars reflects the continuation of Achaemenid and Parthian ritual and cultural traditions, cultural exchange with the art and architecture of ancient Rome, and a significant influence on urban planning, architecture, and artistic approaches in Islamic-period Iran. This magnificent archaeological landscape presents outstanding and complete examples of an efficient and effective network for land use and the sustainable exploitation of ecosystem resources in harmony with the environment. Techniques, innovations, and a distinctive architectural style, such as the construction of domes on square plans, represent the Sasanian Empire's most fundamental contribution to Iranian architecture in the Middle East.

Keywords: Archaeological Landscape; OUV; World Heritage; Sasanian; Sustainable Development; Approaches and Objectives

* Associate Prof in History, Shiraz University, Shiraz, Iran
askari_chaverdi@yahoo.com

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

مجله‌ی پژوهشنامه‌ی تاریخ تمدن

مقاله‌ی علمی، سال ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۵

شماره‌ی اول، پیاپی ۱، صص ۱۰۵- ۱۱۸

OPEN ACCESS

DOI: 10.22099/JCHR.2025.53448.1012

میراث جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس؛ رویکردها و توسعه پایدار

علیرضا عسکری چاوردی*

چکیده

ساسانیان یکی از دو امپراتوری مهم ایران باستان هستند که بخش مهمی از تاریخ جنوب باختری آسیا را در طول هزاره یکم میلادی پدید آوردند. این پادشاهی به مدت ۴ سده بر بخش‌های گوناگون آسیا چیرگی داشت و هماوردی جدی برای امپراتوری روم به حساب می‌آمد. خاستگاه نخستین پادشاهان این حکومت در فارس مرکزی در دشت‌های فیروزآباد، بیشاپور و سروستان بود. حجم گسترده‌ای از آثار باستانی در این مناطق وجود دارد که پس از تلاش نگارنده و همکاران ایشان تحت عنوان مجموعه «میراث جهانی منظر باستان‌شناسی محور ساسانی فارس» در چهل و دومین گردهمایی مجمع جهانی یونسکو در شهر منامه پایتخت بحرین در تیرماه ۱۳۹۷خورشیدی با شماره ثبت ۱۵۶۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت. راهکارهای توسعه پایدار با رویکردهای باستان شناسی در این منظر به عنوان ارزش‌های میراث فرهنگی ساسانی و به مثابه ابزار توسعه پایدار مورد استخراج قرار گرفته است. نویسنده این ارزش‌ها را به عنوان معیارهای ثبت جهانی منظر باستان شناسی ساسانی فارس برشمرده و سرانجام راهکار پویایی و توسعه پایدار منظر ساسانی را حفظ این ارزش‌ها از طریق همکاری علمی بین دانشگاهی در چارچوب یک طرح علمی منسجم معرفی کرده است. این معیارها عبارتند: منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس با برداشت از سنّت‌های آئینی و فرهنگی هخامنشی و اشکانی، داد و ستد فرهنگی با هنر و معماری روم باستان و فرایند قابل ملاحظه تاثیر آن بر طراحی شهر، معماری و رویکردهای هنر ایران در دوره اسلامی را نشان می‌دهد. این منظر باستان‌شناختی شکوهمند نمونه‌های کامل و شاخص از شبکه‌ای کارآمد و کارا در استفاده از زمین و بهره‌برداری از منابع زیست‌بوم در داد و

* دانشیار تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران askari_chaverdi@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۳/۲۷

COPYRIGHTS ©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

دهش با محیط زیست است که فنون، نوآوری و سبک معماری ویژه مانند برپایی گنبد بر طرح مربع اساسی‌ترین سهم ساسانیان در مهرازی (معماری) ایران در خاورمیانه است.

واژه‌های کلیدی: ثبت جهانی، ارزش‌ها، منظر باستان‌شناسی، ساسانیان، رویکردها و اهداف.

۱. درآمد

این منظر ۸ اثر باستانی در سه منطقه استان فارس را شامل می‌شود: کاخ ساسانی قلعه دختر، پل مهرنرسه و نقش برجسته تاج گذاری اردشیر بابکان بنیان‌گذار پادشاهی ساسانی، نقش برجسته پیروزی اردشیر بابکان بر اردوان واپسین پادشاه اشکانی در تنگاب فیروزآباد، کاخ اردشیر یا آتشکده، و شهر گور یا شهر شکوه اردشیر در دشت فیروزآباد، شهر تاریخی بیشاپور و شش نقش برجسته شاپور یکم و دیگر پادشاهان ساسانی در تنگ چوگان، پیکره با شکوه شاپور یکم در غار شاپور و بنای آتشکده زرتشتی سروستان معروف به کاخ سروستان است.

در مجموع ۶۳۹ هکتار عرصه آثار باستانی منظر باستان‌شناسی در این سه منطقه استان فارس به ترتیب شامل: ۳۹۲ هکتار عرصه باستانی فیروزآباد، ۲۲۲ هکتار عرصه آثار باستانی دو اثر بیشاپور، و ۲۵ هکتار عرصه بنای سروستان که در دهه ۱۳۱۰ خورشیدی به ثبت ملّی رسیده بود با ارزش‌های ویژه دفتر میراث جهانی در سال ۱۳۹۷ خورشیدی در فهرست میراث جهانی ثبت شد. این آثار دارای ارزش‌های فرهنگی و طبیعی ویژه است که مجمع جهانی یونسکو این آثار را شایسته حفاظت بر اساس ضوابط و معیارهای بین‌المللی تشخیص داد. به همین سبب، از این پس آثار باستان‌شناسی منظر ساسانی فارس متعلق به کل جامعه جهانی است و در چارچوب قوانین و مقررات دفتر میراث جهانی و سازمان یونسکو به عنوان میراث جهانی اداره می‌شود.

پادشاهی ساسانی (۲۲۴–۶۵۱ میلادی)، بی گمان یکی از بزرگترین فرمانروایی‌های توانمند دوران تاریخی ایران بود، که بر تمام جنوب باختر آسیا چیرگی داشت و هماورد اصلی امپراتوری روم و بیزانس بود. دستاوردهای قابل توجه و ارزشمند این فرمانروایی گسترده و پایدار در سازگاری با طبیعت، بهره‌برداری ازتوانمندسازی درون مایه‌های طبیعی و منطقه‌ای به عنوان شاهکاری از نبوغ بشری در شکل‌های گوناگون آفرینش و نوآوری در زمینه استفاده بهینه از زمین، الگوهای استقراری و سکونتگاه‌های ویژه، طراحی منظر و شهر و محیط، معماری آیینی و بناهای همگانی و به کارگیری آرایه‌های هنری نمادین در بناهای باشکوه و یادگارهای فرهنگی ارزیابی شده و به رسمیت شناخته شده است.

حوزه‌ای که منظر باستان‌شناسی ساسانی منطقه فارس را دربر می‌گیرد در واقع هسته اصلی سرزمینی است که گستره‌ی وسیعی از نوآوری‌های تمدن ساسانی در آنجا تحقق یافته است. منطقه‌ای که بنیان یا گهواره دودمان و تبار ساسانیان است. فارس شاخص‌ترین و بسنده‌ترین منطقه پادشاهی ساسانیان است که باید شکل‌گیری، دگرگونی و پایداری اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بیش از چهارصد سال تمدن ساسانی را در آنجا نشان داد. این تمدن در درازای حیات خویش گستره‌ی فرهنگ ایران را مدیریت کرد و میراثی بزرگ برای نفوذ آیین اسلام به یادگار گذاشت.

منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس همچنین با برداشت از سنّت‌های آئینی و فرهنگی هخامنشی و اشکانی، داد و ستد فرهنگی با هنر و معماری روم باستان و فرایند قابل ملاحظه تاثیر آن بر طراحی شهر، معماری و رویکردهای هنر ایران در

دوره اسلامی را نشان می‌دهد. این منظر باستان‌شناختی شکوهمند نمونه‌های کامل و شاخص از شبکه‌ای کارآمد و کارا در استفاده از زمین و بهره‌برداری از منابع زیست‌بوم در داد و دهش با محیط زیست است که فنون، نوآوری و سبک معماری ویژه مانند برپایی گنبد بر طرح مربع اساسی‌ترین سهم ساسانیان در مهرازی (معماری) ایران در خاورمیانه است.

مجموعه «میراث جهانی منظر باستان‌شناسی محور ساسانی فارس» در چهل و دومین گردهمایی مجمع جهانی یونسکو در شهر منامه پایتخت بحرین در تیرماه ۱۳۹۷خورشیدی با شماره ثبت ۱۵۶۸ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت.

۲. ساسانیان و نقش آنها در تمدن بشری

ساسانیان یکی از دو امپراتوری مهم ایران باستان هستند که بخش مهمی از تاریخ جنوب باختری آسیا را در طول هزاره اول میلادی پدید آوردند. این پادشاهی به مدت ۴ سده بر بخش‌های گوناگون آسیا چیرگی داشت و هماوردی جدی برای امپراتوری روم به حساب می‌آمد. هر دو دودمان ساسانی و روم وارث امپراتورهای بزرگ پیش از خود بودند: هخامنشیان و سلوکیان. بنابراین، این وارثان به ویژه ساسانیان در چارچوب سنّت‌های تاریخی یک هزاره پیش از خود، سرنوشت کهن‌ترین مناطق تاریخی سرزمین‌های میان اقیانوس هند تا مرزها و کناره‌های دریای مدیترانه را تعیین کرده‌اند (Yarshater, 1971:517-520; Daryaee, 2010: 236-255).

پادشاهی ساسانی در پی تجربه دولت‌های بزرگی مانند هخامنشیان و اشکانیان در منطقه خاورمیانه پیدایش یافت. این پادشاهی شهرهای پایتختی خود را در منطقه ایران و میان رودان گستراند و سنّت‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی چند هزاره تاریخ این سرزمین‌ها را مبنا و پایه اندیشه خودیش قرار داد اما زایش نوآوری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی ساسانیان در این بستر سنتّی بسیار اهمیت دارد(Christensen, 1944).

تعداد ۳۲ پادشاه از سال ۲۲۴ (پیروزی اردشیر بابکان بر واپسین پادشاه اشکانی) تا سال ۶۵۱ میلادی(سال کشته شدن یزگرد سوم، واپسین پادشاه ساسانی) به مدت ۴۲۷ سال در چارچوب امپراتوری ساسانی به استناد مطالعات سکه‌شناسی و متون تاریخی بر ۲۷ استان نامبرده شده در کتیبه نقر شده در بنای کعبه زردتشت در نقش رستم فارس حاکمیت داشتند (Sprengling, 1937: 126-244; 1953:2-114). میراث این حکومت بزرگ نوآوری در فنون معماری مانند برپائی بناهایی با شکوه در سنّت کاخ‌سازی با استفاده از مصالح بوم آورد لاشه سنگ، ملات گچ و خشت و زایش فنون معماری به ویژه فن ایجاد تاق، قوس و اختراع گنبد خاوری برای نخستین بار در بناهای ساختمانی، ایجاد شهرهایی بزرگ با طرح دایره برای نخستین بار، توسعه شبکه‌های پیشرفته آبیاری در کشاورزی، ایجاد صحنه‌های نمایش قدرت و یا تاج گذاری با آفرینش ۳۸ صحنه نقش برجسته، و ساماندهی نظام‌های مذهبی با تکیه به آئین نکوداشت آتش به عنوان منشاء نور و حقیقت بود.

بنیانگذار دودمان ساسانی، اردشیر بابکان(۲۲۴–۲۴۳م)، در پی تحولات سیاسی اواخر دوره اشکانی و پراکندگی حاکمیتی و دینی از فیروزآباد فارس برخاست(Bivar, 1989: 883). خاندان وی، از خانواده بازرنگیان فارس یعنی متولیان امور مذهبی این منطقه بودند و مشروعیت لازم برای دستیابی به قدرت سیاسی را داشتند(Frye, 1983: 118-119).

اردشیر یکم بنیانگذار حکومت ساسانی، منطقه فارس یعنی مرکز نوزایی سرزمین ایران را یکپارچه و با چیرگی بر مناطق داخلی ایران در سال ۲۳۰ میلادی به عنوان شاه ایران سکه ضرب کرد(Wiesehöfer, 1986: 371-376). وی شهر فیروزآباد را با کاربری نظامی پی‌ریزی کرد و نخستین بناهای خود را در این دشت ساخت. ساختار سیاسی پادشاهی خود را بر منطقه فارس، فلات ایران و میان رودان در چارچوب دیوان سالاری دولتی تشکیل داد و نوآوری مهم وی استقرار یک مذهب رسمی دولتی بود. در پی همین اصلاحات، با افزودن دیوان سالاران دولتی به طبقات اجتماعی مانند مغان، جنگاوران و کارگران در کتاب مقدس اوستا، یعنی کتاب مذهبی آئین زرتشتی، ساختار حکومتی پادشاهی ساسانی را با هدف جلوگیری از فروپاشی و تجزیه سرزمین ایران به کانونی ملّی گرایانه برای وحدت و حفظ هویت ملّی ایرانیان تغییر داد (Frye 1979: 335-341). پویایی هنری بنیانگذار پادشاهی ساسانی کمتر از اصلاحات سیاسی و مذهبی او نبود بلکه شاهکارهای هنر معماری بومی ایران را برای نخستین بار با استفاده از مصالح بوم آورد با نوآوری در سبک هنر محلّی با ساخت دو بنای کاخ قلعه دختر، کاخ آتشکده، ایجاد شهر شکوه اردشیر با پلان دایره بنیان گذاشته شد. نبوغی که در مقیاس بناهای بزرگ فیروزآباد برای نخستین بار در خاورمیانه تجربه شد، در سرتاسر این دوره پیوستگی یافت و در هنر دوره اسلامی به ویژه بنای گنبد مساجد ایران چشم‌گیر شد(Frye, 1983: 116-180). اصلاحات اساسی اردشیر در ضرب ۸ نوع سکّه با تاج ویژه خود، سنّتی برای سایر پادشاهان این دودمان بزرگ شد به گونه‌ای که امروزه تاریخ گذاری دوره ساسانی برای تاریخ نگاران در بررسی چهره و تاج هر پادشاه ساسانی با سایر آثار هنری این دوره به آسانی ممکن شده است.

آثار ساسانی فیروزآباد، مجموعه متشکل از ساختار شهری دایره وار با برج‌ها و باروهای دفاعی محاط درون خندقی است که به شهر گور یا شهر شکوه اردشیر معروف است. دو بنای بزرگ قلعه دختر و کاخ هر دو از بناهای بزرگ و با شکوهی هستند که کارکرد آنها به عنوان واحدهایی سیاسی، اداری مطرح است. در مسیر تنگاب فیروزآباد نیز دو صحنه نقش برجسته کنده کاری شده است که بازتابی از تحولات سیاسی دوره ساسانی به ویژه انتقال قدرت از حکومت اشکانی به ساسانی است(Lukonin, 1972: 291-294). این آثار ساسانی در محدوده‌ای جغرافیایی به نام اردشیر خوره یا شکوه اردشیر در دوره ساسانی بنا شده‌اند، ولی نام این محل در دوره اسلامی به فیروزآباد و یا پیروزآباد تغییر داده شده است (Huff, 1983: 296-298).

بنیان‌گذاری شهر و انتساب آن به اردشیر یکم، بیش و کم در بیشتر متون تاریخی مانند کارنامک، شهرستان‌های ایرانشهر، تاریخ طبری، حدود العالم و به نقل قول از استخری، ابن حوقل، ابن بلخی و یاقوت حموی ذکر شده است (Huff, 1999: 633-634). طراحی این شهر تاریخی بر اساس دایره‌ای کامل به قطر ۱,۹۵۰ متر (یک کیلومتر و ۹۵۰ متر) طراحی و تنظیم شده است. محدوده داخلی این دایره بزرگ بر اساس سه دایره متحدالمرکز، خیابان‌های متقاطع و هم مرکز و خطوط شعاعی به ۲۰ بخش تقسیم شده است. این شهر به وسیله باروی سترگ خشتی به پهنای ۳۵ متر و یک دیوار پیش آمده بر طرحی دایره دربر گرفته شده است(Huff, 1986: 302-308). در محدوده درونی این شهر، دیوار باریکی بخش مرکزی دایره شهر را فراگرفته است که به احتمال ساختمان‌های واقع در مرکزی‌ترین بخش شهر در این دایره، بناهای رسمی و حکومتی بوده است. بیشتر ساختمان‌های این بخش و بخش‌های پیرامونی آن به احتمال از خشت بنا شده بودند،

به جز دو بنا که موضوع ساخت آنها متفاوت است: ساختمانی با بلوک‌های سنگی تراشیده تخت‌نشین و بنای معروف به تَربال. بنای تخت نشین با سنّت معماری هخامنشی اما با کارکرد آتشکده در بخش اصلی شهر گور و بنای برج(منار) یا تَربال به بلندای ۳۰ متر در مرکز دایره شهر با کارکرد نقطه پرگار برای طراحی نقشه دایره‌ای به قطر ۱,۹۵۰ متر. سه دایره محاط با ۲۰ تقسیم شعاعی و تقسیم شهر به ۶۰ بخش یکی از شاهکارهای مسیرهای طراحی شهری دوره باستان در نخستین پایتخت پادشاهی ساسانی است(Huff, 1999: 634).

از دیدگاه مفهومی، نقشه دایره شهر اردشیرخوره بر اساس اندیشه‌های اردشیر در ارتباط با چگونگی نظام حکومتی مورد نظر وی طرح‌ریزی شده است. طرح‌ریزی شهر اردشیرخوره، با شکل دایره و بر پایه یک نقطه مرکزی که شعاع‌ها و دوایر دیگری در پیرامون آن قرار دارد، نمادی از حکومت آرمانی اردشیر بوده که در آن شاه در مرکز پادشاهی و دیگر بخش‌های حکومت و جامعه به ترتیب اهمیت در سطوح دیگری در پیرامون او قرار داشته‌اند. در واقع اردشیر اندیشه‌های خود در مورد شکل دادن به یک حکومت مرکزی نیرومند (بر خلاف حکومت نامتمرکز اشکانی) را در چارچوب نقشه یک شهر دایره و تقسیمات مهرازی (معماری) ویژه آن شکل داده است(Huff, 2008; Daryaee, 2013).

قلعه دختر نخستین بنای سکونتی اردشیر است که هم زمان با بنای شهر اردشیر خوره بر بلندای دره‌ای پرپیچ و خم در تنگاب فیروزآباد بنا شد(Huff, 1977a: 127-130). این بنای سلطنتی با ارگ و باروهایی بزرگ در مهمترین نقطه مسیر دسترسی به دشت فیروزآباد است. اتاق‌های اصلی این کاخ در طرح دایره بارو در بخش انتهای بنا قرار دارد. این بخش با نمادها و موتیف‌های شاخص معماری همراه است. بنایی غیر قابل دسترس که به روشنی برای جایگاهی راهبردی انتخاب شده بود. کاخ- قلعه موسوم به قلعه دختر در سه سطح ساخته شده بود و ورود به آن از پائین‌ترین سطح به وسیله پلکانی مارپیچ به حیاط اصلی تراس میانی راه می‌یافت(Bier, 1982: 33). سه جهت حیاط را اتاق‌های چهارگوش دارای تاق ضربی دربرگرفته بود و طرف چهارم به تراس بالایی منتهی می‌گردید که روی آن ساختمان کاخ اصلی واقع شده بود. تمامی کاخ را یک ایوان بزرگ دارای تاق ضربی و دو ایوان کوچک‌تر در دو طرف تشکیل می‌داد. ایوان بزرگ ۱۴ متر پهنا و ۲۳ متر درازا داشت به یک اتاق مرکزی متصل می‌شد که سقف آن به شیوه‌ای تازه یعنی گنبد پوشانده شده بود (Huff, 1977a: 31). در دو سوی این اتاق گنبددار اتاق‌های دیگری نیز قرار گرفته بود و کل ساختار مجموعه گنبد در داخل یک دیوار خارجی مدور جای داشت. معماران پارتی از تاق ضربی استفاده می‌کردند که وقتی در زوایای قایم با یکدیگر تلاقی می‌کرد با استفاده از تاق‌های ساده به هم متصل می‌گردید. هر چند گنبد در بناهای رومی معاصر پارتیان، به ویژه در ساختمان حمام‌ها مورد استفاده قرار گرفته، ولی هیچ نشانه‌ای از ساخت گنبد به وسیله پارتها به دست نیامده است. معماران رومی مشکل قراردادن سقفی مدور روی اتاق چهارگوش را با قراردادن گنبد روی لاشه سنگ‌هایی در گوشه‌ها با جلو آوردن تدریجی سنگها یا آجرها به شکلی که پیوسته مدورتر می‌شد، حل کرده بودند. معماران ساسانی همین مشکل را به شیوه دیگری حل کردند. همان شیوه‌ای که امروز نیز در معماری ایران متداول است. بر اساس اسناد موجود، قدیمی‌ترین نمونه این شیوه گنبد قلعه دختر است. گنبد با استفاده از سکُنج‌های مخروطی که از هر کنج بالا آورده می‌شد تا دایره‌ای تشکیل گردد و از آن پس خود دایره به تدریج بسته می‌شد، روی اتاق چهارگوش قرار می‌گرفت. ایجاد تاق‌ها، قوس‌ها و گنبدها در بنای کاخ اردشیر در حاشیه دشت به نسبت کاخ قلعه دختر با مهارت بیشتر انجام شده است. بنای که امروزه به

اشتباه در مواردی آتشکده نامیده می‌شود و آن کاخ اردشیر است، تجربه و شیوه‌های معماری پخته‌تر بکار گرفته شده در بخش‌های گوناگون این کاخ، نشان می‌دهد که این بنا پس از قلعه دختر ساخته شده است(Huff, 1977b). این بنا باروهای دفاعی نداشته است و به همین سبب به نظر می‌رسد بنای کاخ اردشیر در دوره برتری سیاسی و ثبات حکومت ساخته شده است. کاخ اردشیر روبه دریاچه‌ای کوچک و مدور ساخته شده بود و پیرامون آن باغی مجلل یا پردیس وجود داشت (Huff, 1977a: 25). بنای این کاخ دارای شکل مستطیلی درازی است که به دو قسمت رسمی یا بیرونی و بخش غیر رسمی یا اندرونی تقسیم شده بود. ایوانی دراز به تالاری با گنبدی بلند منتهی می‌شد که گویا اتاق اصلی بارعام بوده و در دو طرف آن تالارهای‌های گنبددار مشابهی قرار داشت (Reuther, 1938: 433). در بخش جنوب تالار مرکزی، ایوانی کوچکتر به سمت حیاط اندرونی باز می‌شود و قرینه همین ایوان در آن سوی صحن اندرونی قرار داشت. اتاق‌هایی دارای طاق گهواره‌ای دور تا دور بخش اندرونی رو به صحن حیاط باز می‌شد (Huff, 1977a: 25). هر دو بنای کاخ و قلعه دختر از یک شیوه و سبک معماری تبعیت می‌کند با این تفاوت که کاخ پائین معروف به کاخ اردشیر در آنجا، ایوان و اتاق‌های گنبد دار مربع شکل، هر کدام به پهنای ۱۴ متر، بخش رسمی یا بیرونی این کاخ سلطنتی را تشکیل می‌دهد (Reuther, 1938: 538) و اتاق‌های مستطیل شکل مسقف با تاق‌های هلالی در پیرامون حیاط مرکزی به احتمال بخش اندرونی و برای زندگی نیمه خصوصی شاه و اتاق‌های پلکان دار طبقه بالا برای زندگی خانواده و محارم شاه مورد استفاده بوده است(Huff, 1986: 332).

در حدود سال‌های ۲۳۸ میلادی اردشیر مردی کهنسال بود و در سال ۲۴۰ میلادی پسرش شاپور یکم را به طور مستقیم در سلطنت شریک کرد(Wiesehöfer, 1986: 375). بازتاب این موضوع روی سکه‌هایی آغاز این دوره به نمایش گذاشته شده است به این ترتیب که تصویر تمام رُخ صورت اردشیر و شاپور کنار یکدیگر نشان داده شده است. اردشیر تاج شخصی متمایز خود را بر سر دارد و شاپور با کلاه مدور و بلند ویژه اشراف دیده می‌شود (Göbl, 1983: 322-324). شاپور پس از تاجگذاری، تاج مشخص برای خود اختیار کرد. تاریخ دقیق مرگ اردشیر مشخص نیست، به احتمال در حدود سالهای پس از ۲۴۰ میلادی اتفاق افتاده باشد. پیروزی‌های نظامی او دوباره موقعیت سودبخش داد و ستد در بازرگانی میان شرق و غرب را به ایران ارزانی داشت که شاهان بعدی به شدت از آن حراست کردند و آن را توسعه دادند. ساختار شهریاری اردشیر با ثبات اقتصادی و نظامی و یک دولت مرکزی نیرومند به مدت چهارصد و بیست و هفت سال تا زمان پیدایش دین اسلام و ورود آن به ایران ادامه یافت (Shahbazi, 1986: 380-381).

شاپور یکم (۲۴۳–۲۷۳ م)، پسر اردشیر مدت‌ها به همراه پدر در پیکارها حضور یافته بود و به هنگام پیری پدر به عنوان جانشین پادشاه برگزیده شد. شاپور همانند پدرش، مقتدر و جنگاوری توانا بود و در طی سی سال پادشاهی نبردهای متعددی با مهمترین امپراتوری‌های روم داشت. مرزهای ایران را گستراند و در کتیبه سه زبانه ساسانی، اشکانی و یونانی نقر شده در بنای هخامنشی کعبه زرتشت در نقش رستم فارس خود را شاه شاهان ایران و انیران نامید(Marico, 1958: 304-306). تفاوت عنوان شاپور نسبت به پدرش روشن است زیرا اردشیر تنها شاه شاهان ایران بود در حالی که شاپور شاه شاهان انیران(غیر ایران) نیز بود(Herrmann, 1972: 151-162). به احتمال شاپور سرزمین‌های متعدد نام برده در کتیبه کعبه زرتشت را گشوده بود که بخش انیران در خارج از حوزه ایرانشهر قرار داشته است. در دیگر کتیبه نقش رستم،

از پیروزی در دو نبرد مهم با امپراتوری روم یعنی گوردیانوس سوم و فلیپ عرب نام برده است و در همین محل و در تنگ چوگان بیشاپور صحنه‌هایی به بزرگداشت این پیروزی‌ها بر رومیان در دل صخره کوهستان به نمایش گذاشته است. در متن این کتیبه از ۲۷ استان تحت فرمانروایی و سرزمین‌های فتح شده نام می‌برد که گستره شاهنشاهی ساسانیان را در قرن سوم میلادی نشان می‌دهد: فارس، پارت، خوزستان، دشت میشان، آشور، آدیابنه در شمال دجله، عربستان، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، مکلونیه، آلبانی، بالاساگان، تا کوه‌های قفقاز و دروازه آلبانیه، پاتیش خواگر یا کوههای البرز، ماد، گرگان، مرغانیه یا مرو، آریا یا هرات، ابر شهر یا نیشابور، کرمان، سیستان، مکران، پراتن، هند به احتمال دلتای سند، کوشان شهر، تا سرحدات پیشاور و حدود کاشغر، مرز سُغد و تاشکند و آن طرف دریای مازون یا عمان. جغرافیایی وسیعی که در دوره شاپور ساسانی به عنوان قلمرو ساسانیان نامبرده شده است(Sprengling, 1937: 126-144; 1953: 2-114).

در این قلمرو وسیع، شاپور یکم شهرهای بسیاری را بنیان نهاد اما نخستین شهر مورد علاقه اش شهر بیشاپور بود که در مرکز فارس، یعنی در فاصله ۸۰ کیلومتری باختر شهر اردشیر(فیروزآباد)، بنا کرد. این شهر در دوره ثبات حکومت ساسانی بنا شد و لذا به شیوه رقعه شطرنجی(هیپوداموس) طراحی شد که شیوه معمول شهرهای خارومیانه پس از دوره هلنی بود (Ghirshman, 1956-71). شهر با طرح مستطیل دارای چهار دروازه، خیابان‌های عمود بر هم که به میدان مرکزی شهر متصل می‌شد و در مجموعه‌ای به وسعت ۲۰۰ هکتار بنا شد(Ghirshman, 1971: 91-106). شهر دارای محلات متعدد بوده است که امروزه به لطف پژوهش‌های باستان‌شناسی بخش‌هایی از ارگ شهر و بناهای مهمی مانند آتشکده یا نیایشگاه ایزد آناهیتا، کاخ، بنای ایوان موزاییک، و چند بنای مذهبی دیگر شناسایی شده است (Sarfaraz, 1970: 1975). این شهر در محل رودخانه دائمی به نام رود شاپور بنا شد که در مسیر این رود نقش برجسته‌های دوره ساسانی در دل صخره کوه در کنار شهر بیشاپور به نمایش گذاشته شده است. نقش برجسته‌هایی که افزون بر جنبه‌های هنری، یادآور جنگ‌ها و نبردهای متعدد ساسانیان به ویژه شاپور با رومی‌ها است. در مسیر همین درّه تنگ چوگان، تندیس با شکوه تمام رخ شاپور به بلندای ۸ متر در غار معروف به شاپور به نمایش گذاشته شده است(Kleiss,1973:78). اگرچه هنوز بسیاری از بناهای مهم ساسانی در شهر بیشاپور کاوش نشده است، اما به نظر می‌رسد این شهر دارای بناهای بزرگ اشراف زادگان ساسانی، باغ‌ها و خانه‌های فراوان بوده است(Kiel, 1989: 287-289).

سنّت‌های معماری و شهرسازی دوره ساسانی طی چهار سده در ساخت بناهای گوناگون در ایران و میان رودان (بین النهرین باستان) تحول و تدوام پیدا کرد. شگردهای فنّی و نوآوری‌های بوم آورد ساسانیان به عنوان معیاری از نوآوری فن، تاق و گنبد در معماری یک و نیم هزاره بعد پیوستگی پیدا کرد. یکی از ارزنده‌ترین بناهای سده‌های نخستین اسلامی در فارس بنایی با همان مصالح سنگ لاشه و گچ با فنون معماری ساسانی است و این بنا در واقع موزه‌ای از انواع فنون تاق زنی، قوس‌ها، طاق نماها و شیوه‌های اجراء گنبد و نیم گنبد در آن به نمایش گذاشته شده است(Bier, 1986: 23-53). بنای معروف به کاخ ساسان در سروستان در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال شرق فیروزآباد و ۲۰۰ کیلومتری شمال شرق بیشاپور در سده‌های نخستین اسلامی بنا شده است که حاصل پیشرفت فنون معماری ساسانی است. نوآوری‌های فنّی در ایجاد تاق و قوس در این بنا، روند تحولی معماری ساسانی در درازای یک هزاره هنر معماری ایران در دوره اسلامی را معنادار کرده است (Fontana, 1986). در بنای سروستان، طاق‌های عریضی که سقف اتاق‌ها و تالارها را می‌پوشانده

است، بجای قرار گرفتن روی دیوارها روی ستون‌های جفتی تکیه دارد و در امتداد دیوارها قرار دارند. نوآوری اندیشمندانه‌ای که از سبک معماری کاخ‌های ساسانی فیروزآباد الهام گرفته است و در پیشرفت فنون معماری ایران در دوره اسلامی نقش مهمی داشته است (Bier, 1993: 57-66).

۳. مطالعات؛ باستان‌شناسی، حفاظت و مرمت

مرکز باستان‌شناسی ایران و موسسه مرمت بناهای تاریخی زوریخ با همکاری موسسه باستان‌شناسی آلمان نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی ابتدا در سال۱۹۷۱ (۱۳۴۹)، و سپس در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۶ (۱۳۵۲-۱۳۵۴) در قلعه دختر انجام دادند (Huff, 1977a: 174). دیتریش هوف و ولفرام کلایس مطالعات باستان‌شناسی کاخ قلعه دختر، کاخ اردشیر و شهر گور را انجام دادند. اداره کل میراث فرهنگی فارس از سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۳ مسئولیت نگهداری، مرمت و باستان‌شناسی بناهای فیروزآباد را به عهده گرفت و از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۷ پایگاه ملّی محور ساسانی فیروزآباد و سروستان امور حفاظت و باستان‌شناسی فیروزآباد را انجام داد. در تیرماه ۱۳۹۷، این پایگاه ملّی به ثبت جهانی رسید و به پایگاه میراث جهانی با عنوان منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس همراه با دو محوطه بیشاپور و سروستان تغییر نام داد. کاوش‌های باستان‌شناسی بیشاپور اما سالها قبل از فیروزآباد طی سالهای ۱۹۳۵-۱۹۴۰ (۱۳۱۴-۱۳۱۹) به سرپرستی رومن گیرشمن انجام شد. بیشاپور پس از جنگ جهانی دوم، تا سالهای ۱۳۵۷ همچنان مورد توجه مرکز باستان‌شناسی ایران بود و هر ساله کاوش می‌شد. برنامه مرمتی بیشاپور در بخش‌های مختلف این محوطه در تمام دهه‌های گذشته انجام می‌شده است که این برنامه از سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۸ به صورت کاوش باستان‌شناسی همراه با مرمت همزمان به سرپرستی علی اکبر سرفراز انجام می‌شد. در دهه‌های بعد این برنامه مطالعات همراه با حفاظت و مرمت در بیشاپور تا سال ۱۳۸۰ ادامه پیدا کرد. از سال ۱۳۸۱ این محوطه به عنوان پایگاه ملّی مسئولیت نگهداری حفاظت آثار بیشاپور را به عهده گرفت تا سال ۱۳۹۷ که این محوطه همراه با فیروزآباد و در چشم انداز باستان‌شناسی دیگر آثار ساسانی در منظر باستان‌شناسی فیروزآباد و سروستان به ثبت جهانی رسید.

۳. ۱. معیارها

هشت اثر منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس دارای ۵ معیار ارزشمند قابل طرح در پیشنهاد ثبت میراث جهانی بودند. از بین تمام معیارهای ثبت هر اثر در فهرست میراث جهانی برای منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس در مجموع معیار I و IV: نظیر شاهکار نبوغ بشری در زمینه فنون، نوآوری و سبک معماری مانند برپایی گنبد بر طرح مربع اساسی‌ترین سهم ساسانیان در معماری ایران در خاورمیانه؛ معیار II: نمادی از تبادل ارزش‌های والای انسانی در دوره زمانی خاص در یک حوزه فرهنگ جهانی به ویژه در زمینه تاثیر سنّت‌های آئینی و فرهنگی هخامنشی و اشکانی، داد و ستد فرهنگی با هنر و معماری روم باستان و فرایند قابل ملاحظه تأثیر آن بر طراحی شهر، معماری و رویکردهای هنر ایران در دوره اسلامی و معیار III و: این منظر به عنوان نمونه شکوهمند، کامل و شاخص از شبکه‌ای کارآمد و کارا در استفاده از زمین و بهره‌برداری از منابع زیست‌بوم در داد و دهش با محیط زیست به عنوان معیارهای مطرح برای ثبت جهانی این منظر پذیرفته شد.

۳. ۲. رویکردها و توسعه پایدار

اهداف و چشم اندازها در چارچوب توصیه و تاکید ایکوموس(ICOMOS) در چهل و دومین گردهمائی میراث جهانی یونسکو، منامه ۲۰۱۸ مبنی بر توسعه پایدار میراث جهانی ساسانی فارس، مجموعه ثبت جهانی یونسکو، تهیه شده است. پایگاه محور ساسانی ثبت جهانی مسئول و متصدّی ارائه و اجراء این برنامه بود. نقطه اتکاء این طرح ابتدا مجموعه ثبت جهانی منظر ساسانی است و دامنه نهائی آن تا خلیج فارس در محدوده ولایت تاریخی اردشیر خوره تعریف شده است. وسعت پژوهش‌های میدانی در این برنامه ضرورت رویکرد استفاده از علوم چند رشته‌ای را محرز ساخته است. به همین دلیل موسسه‌های پژوهشی متعدد ایرانی و اروپائی در این برنامه مشارکت علمی دارند: معاونت میراث فرهنگی سازمان، اداره کل امور پایگاه‌های میراث جهانی(ICHHTO)، محوطه میراث جهانی منظر باستان‌شناسی فارس؛ فیروزآباد و سروستان (SALFR)، پژوهشگاه میراث فرهنگی(RICHT)، پژوهشکده باستان‌شناسی(ICAR)، پژوهشکده حفاظت و مرمت (RCCCR)، دانشگاه شیراز(Shiraz University)، دانشگاه بولونیا (Bologna University)، موسسه ایسیائو (ایزمئو) (ISMEO)، دانشگاه ایکس مارسی (University of Aix-Marseille)، دانشگاه اوربینو (University of Urbino)، موسسه ملّی اقیانوس‌شناسی ایران (INIOAS)، مرکز تحقیقات ملّی فرانسه(CNRS)، موسسه تکنولوژی‌های پیشرفته ایتالیا برای میراث فرهنگی (ITABC-CNR) و دانشگاه تهران (Tehran University).

هدف از این برنامه دست یابی به مبنای محکم دانشی است که در چارچوب این شناخت، اهداف توسعه پایدار میراث جهانی منظر ساسانی در حوزه میراث فرهنگی ملموس، ناملموس و نیز گردشگری پایدار تحقق یابد. نتایج قابل انتظار از این طرح در دو بخش محقق می‌شود: نخست شبکه اطلاعات جغرافیایی(GIS)، در این روش تمام اطلاعات موجود در بافت زیستی خودشان تحت پوشش قرار می‌گیرد و این منابع اطلاعاتی برای متخصصین در جهت برنامه‌های آمایش هدفمند در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری قابل استفاده است. سپس حفاظت محوطه‌های باستانی است که این حفاظت نه تنها بر پایه منابع اطلاعاتی فراهم شده و در حوزه‌های تخصصی خود انجام می‌گیرد بلکه با بکارگیری جوامع محلّی ذی نفع مرتبط با آثار باستانی و بر مبنای منفعت اقتصاد پایدار از میراث باستان‌شناسی فراهم می‌شود.

الف: بخش علمی برنامه سه حوزه مهم را شامل می‌شود:

بخش الف-۱: مستندنگاری: ایجاد پایگاه اطلاعاتی از نقشه‌های موجود و تهیه نقشه دیجیتال پایه در مقیاس ۲۰۰۰: ۱؛ در سیستم GIS از دشت فیروزآباد، بیشاپور و سروستان که تمام لایه‌های اطلاعاتی آثار ثبت شده جهانی، بناها، محوطه‌ها و شهرهای تاریخی را تحت پوشش قرار دهد. به ویژه در این برنامه تمام اطلاعات اشیاء باستانی جمع آوری شده موجود در انبارها، در بانک اطلاعات داده‌ها قرار می‌گیرد. به این روش تمام موضوع‌های مرتبط با هر گروه از اشیاء طبقه بندی و مطالعه می‌شود. این بانک داده مرکزی برای نگهداری و بازیابی اطلاعات لایه‌های باستان‌شناسی میراث فرهنگی منظر باستان‌شناسی ساسانی خواهد بود.

بخش الف- ۲: تشخیص و شناسایی موارد ضروری حفاظت: پایش مواد و مصالح بناها و آثار هنری منظر ساسانی، پژوهش در خصوص تشخیص کیفیت نقش برجسته‌ها، نقاشی‌ها، نمونه برداری و مطالعات شیمیائی و فیزیکی، آزمایش‌های

بیولوژیک و مواد کانی، به عنوان پایه مطالعات اولیه برای اجراء برنامه‌های حفاظتی و مرمتی منظر باستان‌شناسی ساسانی است.

بخش الف-۳: باستان‌شناسی: پژوهش چند رشته‌ای در دشت فیروزآباد، بیشاپور و سروستان در منطقه اردشیر خوره باستان تا کرانه‌های خلیج فارس در سه استان فارس، هرمزگان و بوشهر:

۳. ۱- پژوهش‌های زیست باستان‌شناسی و آب و هواشناسی کهن

۳. ۲- پژوهش‌های ژئو مورفولوژی در منظر باستان‌شناسی ساسانی

۳. ۳- بررسی‌های ژئوفیزیک شهر اردشیر خوره در جهت بازسازی و درک آثار باستان‌شناسی و طرح شهر

۳. ۴- بررسی‌های ژئوفیزیک ساحلی دریای خلیج فارس در کرانه ساحلی اردشیر خوره باستان(مرکز ملّی اقانوس‌شناسی ایران، دانشگاه مارسی و مرکز تحقیقات ملی فرانسه)

۳. ۵- پژوهش‌های باستان‌شناسی، بررسی و گمانه زنی در دشت، مسیرهای ارتباطی دشت فیروزآباد، بیشاپور و سروستان و پس کرانه‌ها و بنادر تاریخی مرتبط با اردشیر خوره و بیشاپور(هیات باستان‌شناسی مشترک ایرانی ایتالیائی؛ دانشگاه بولونیا، دانشگاه شیراز، پژوهشکده باستان‌شناسی، پایگاه منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس: فیروزآباد)

ب: بخش مدیریت پروژه سه حوزه مهم را شامل می‌شود:

بخش ب -۱: مداخله حفاظتی و مرمتی در بناهای مهم:

۱. ۱. حفاظت سازه‌های معماری آثار باستان‌شناسی منظر ساسانی(با همکاری مرکز تحقیقات پیشرفته میراث فرهنگی و مرکز تحقیقات ملّی ایتالیا)

۱. ۲. حفاظت نقوش برجسته صخره‌ای فیروزآباد و بیشاپور (با همکاری مرکز حفاظت و مرمّت ایتالیا و پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث فرهنگی)

۱. ۳. حفاظت دیوار نگاره و نقاشی مکشوفه در کاوش‌های شهر گور و بیشاپور(با همکاری دانشگاه اوربینو و پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث فرهنگی)

بخش ب- ۲: معرفی و ارزش گذاری پایدار محوطه‌ها و بناها

بخش ب-۳: طرح توسعه پایدار آثار ملموس و ناملموس میراث فرهنگی و گردشگری

اهداف این برنامه جوامع محلّی به شکل ویژه ساکنان بومی با زبان و فرهنگ قشقائی را شامل می‌شود که ساختار سنّتی فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند و در برنامه‌های توسعه پایدار مرتبط با گردشگری نقش اساسی خواهند داشت. جوامع بومی و محلّی زمانی اهمیّت میراث فرهنگی، بناها و محوطه‌های باستانی دشت فیروزآباد و بیشاپور را با رویکرد صحیح به ارزش‌های میراث فرهنگی و استفاده از آثار به عنوان منبع اقتصاد فرهنگی پایدار منطقه درک کنند، در آن مرحله تخریب مدارک باستان‌شناسی در منظر ساسانی متوقف خواهد شد.

به همراه تمام اقدامات باستان‌شناسی، حفاظت و مرمّت، توپوگرافی و مستندنگاری، فعالیت متخصصان متعدد در حوزه تحقیقات میدانی در منظر باستان‌شناسی ساسانی همچنین فعالیت متخصصان توسعه پایدار و طرح و برنامه مدیریت برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله ایران، در این برنامه بلندمدت لحاظ شده است.

۴. نتیجه‌گیری

بهره‌برداری از میراث فرهنگی ساسانیان در بخش مرکزی فارس به عنوان منبع پایدار در توسعه فرهنگی و زیستی جامعه ساکن در دشت‌های فیروزآباد، کازرون و سروستان نیازمند برنامه‌ریزی است. در افق توسعه این استان این منطقه با عنوان میراث جهانی ساسانی در برنامه آمایش سرزمین قرار می‌گیرد و با ایجاد ظرفیت میراث جهانی در حوزه اقتصاد فرهنگی، محیط زیست و جامعه محلّی با هدف پایداری و تاکید بر الگوهای تاریخی مورد بهره‌برداری بلند مدت قرار می‌گیرد. الگوی فرهنگی توسعه در حقیقت ارزش‌های تاریخی و باستان‌شناسی منظر ساسانی هستند که کارکرد اقتصاد بلندمدت و پویای این مناطق با توجه به این ارزش‌ها اندازه گیری و به عنوان عملکرد شاخص در توسعه پایدار سنجیده می‌شود. از این دیدگاه، با ثبت جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی، برنامه ریزی برای درک توسعه پایدار منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس انجام و تصمیم گرفته شد با رویکرد تبیین مبانی میراث فرهنگی از منظر میراث جهانی در چهار موضوع: ۱. شناخت میراث فرهنگی و درک منظر باستان‌شناسی ساسانی به عنوان میراث جهانی ۲. معرفی و شناخت قوانین حقوقی میراث جهانی در منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس ۳. چگونگی سرمایه گذاری در حوزه میراث جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی ۴. گردشگری پایدار در منظر باستان‌شناسی ساسانی، این برنامه‌ها طی چند مرحله از سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۲ اجراء و پایش شد؛ بدین ترتیب با ثبت جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس شامل فیروزآباد، بیشاپور و سروستان در دوره مدیریت نگارنده در محوطه فیروزآباد بخشی از این برنامه‌ها اجراء و میراث فرهنگی به عنوان ابزاری برای توسعه پایدار این منطقه در نظر گرفته شد.

قدردانی

همکاری افراد متعددی در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با نگارنده در دوره‌ی مدیریت اینجانب در پایگاه فیروزآباد و سروستان (۱۳۸۸-۱۴۰۲) به ثبت جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس در فهرست میراث جهانی منجر شد. تهیه‌ی پرونده‌ی ثبت جهانی از سال ۱۳۸۹ در پایگاه فیروزآباد آغاز شد که در آن زمان نخستین سمینار با موضوع «نخستین هم اندیشی برای ثبت جهانی فیروزآباد» انجام شد. در این نشست تخصصی اعضاء علمی و اجرائی سیدمهدی مجابی، ناصر نوروززاده چگینی، محمدحسن طالبیان، حاج اعظم‌الله کاظمی، سیامک بصیری، مازیار کاظمی، امیرپیروز دقوقی، افشین ابراهیمی، هاجر عسکری، بهنام رضائی و نگارنده به عنوان دبیر نشست حضور داشتند. در نتیجه‌ی این نشست بود که مدیر پایگاه تصمیم گرفت مقدمات تهیه‌ی پرونده‌ی ثبت جهانی را آغاز نماید. مطالعات ساسانی آغاز شد و با انتخاب یکی از اعضاء همین نشست، محمدحسن طالبیان، در سال ۱۳۹۴ به عنوان معاون میراث فرهنگی وزارت روند مطالعات تسریع شد و در این زمان با دعوت رئیس پایگاه از گروه‌های مطالعاتی بین‌المللی دو دانشگاه ساپینزا به سرپرستی کارلو چرتی برنامه گسترده مستندنگاری‌ها و پی یرفرانچسکو کالیری از دانشگاه بولونیا برنامه‌ی مطالعات باستان‌شناسی در ادامه‌ی مطالعات دیتریش هوف و مسعود آذرنوش در فیروزآباد آغاز شد.

طی جلسه‌ی سال ۱۳۹۵ با مدیر کل میراث فرهنگی فارس، مصیب امیری، مقرر شد که برنامه‌ی بیشاپور هم به روند ثبت جهانی اضافه شود. مسئولیت تهیه مطالعات سروستان و بیشاپور بر فیروآباد اضافه شد. برنامه‌ی مطالعات سروستان در ادامه‌ی کاوش‌های نگارنده در سال ۱۳۸۱ مجدد از سر گرفت شد و در این مرحله پروژه‌ی مطالعات کربن ۱۴ با همکاری اریک فوشر و مرتضی جمالی از دانشگاه ایکس مارسی فرانسه به صورت مشترک انجام شد.

دفتر تهیه پرونده ثبت جهانی وزارت با مسئولیت محمدحسن طالبیان و فیروزه سالاری از سال ۱۳۹۶ به صورت مستمر برنامه‌ی تهیه پرونده را در دستور کار قرار دادند و چند کارشناس مستندنگار و باستان‌شناس به نام حمید بینائی، ساره ضیائی، احمدعلی اسدی، الهام نیکوگفتار، سارا مهدی‌پور، جلال رشیدی، افشین یزدانی، صادق آرام‌تن، دانیال حق‌پرست و هانیه بانکی را به کار گرفتند تا سرعت تدوین پرونده بیشتر شود. همزمان از پایگاه نتایج مطالعات میدانی به تهران انتقال می‌شد. نتایج مطالعات بین‌المللی دانشگاه‌های فوق‌الذکر در میدان و مطالب دیتریش هوف با ویرایش نهائی پی یرفرانچسکو کالیری و نگارنده در مشورت با طالبیان به دفتر تهران انتقال داده می‌شد و در آنجا کارشناسان به صورت شبانه‌روزی تهیه و تدوین نهائی را به عهده داشتند. گروه دانشجویان دانشگاه هنر شیراز به مدیریت وقت نگارنده و در همکاری با فرهاد عزیزی رئیس پایگاه‌های کشور، امین محمودزاده، سیدکمال علوی و دُرنا شهبازی فرماندار و مدیر میراث فرهنگی فیروزآباد، عبدالرضا نصیری اصل و مصیب امیری معاون میراث فرهنگی و رئیس میراث استان فارس همکاری شبانه‌روزی برای آماده‌سازی محوطه‌ها داشتند.

پرونده در مراحل نهایی طی چند مرحله با حضور ناظر یونسکو و بازدیدهای میدانی متعدد و حضور اعضاء در پاریس و در مجمع جهانی یونسکو در منامه بحرین با حضور سفیر فرهنگی وقت ایران احمد جلالی، رسول وطن‌دوست، دیتریش هوف، پی یرفرانچسکو کالیری، محمدحسن طالبیان، فیروزه سالاری، حمید بینائی و نگارنده سرانجام در ۹ تیرماه ۱۳۹۷ با شماره ۱۵۶۸ به ثبت جهانی رسید. از همه افراد ذکر شده در بالا بخاطر همکاری در تهیه پرونده‌ی ثبت جهانی منظر باستان‌شناسی ساسانی فارس قدردانی می‌شود.

References:

Bier, L., 1986. Sarvistan: a study in Early Iranian architecture. College Art Association Monographs, *Monograph on the fine arts* 41. Pennsylvania State University Press, University Park.

Bier, L. 1993., The Sasanian palaces and their influence in early Islam. *Ars Orientalis* 23, 57-66.

Bivar, A. 1989., The Sasanian Period in *the Encyclopedia Britannica*, 29 vols. Chicago, Encyclopedia Britannica, fifteenth ED, 21. P 882-888.

Christensen, A., 1944. *L'Iran sous les Sassanides*, 2nd Edition , Paul Geuthner, Copenhague.

Daryaee, T., 2010. Ardaxsir and the Sasanian's rise to power. *ANABASIS*: *Studia Classica et Orientalia* 1, 236-255.

Daryaee, T., 2013. *Sasanian Persia, the rise and fall of an empire*. I.B. Tauris & Co Ltd., London.

Göbl, R. 1983., "Sasanian Coins", in *The Cambridge History of Iran,*Vol. 3 (I)*, The Seleucid, Parthian and Sasanian period*, Cambridge, pp. 322- 339, pl. 17-32.

Ghirshman, R. *Bichapour*, 1956-1971., 2 Vols., Paris, Librarie Orientaliste Paul Geuthner.

Fontana, M.V., 1986. Art in Iran xii. Iranian pre-Islamic elements in Islamic art. *Encyclopaedia Iranica*, vol.1, available at http://www.iranicaonline.org/articles/art-in-iran-xii-iranian-pre-islamic-elements-in-islamic-art (accessed 15/08/2016).

Frye, R.N., 1979. "Sasanidica in Fars", in *Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archaologie, München, 7-10.September 1976*,(*Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Ergänzungsband 6) , Berlin, pp. 335-341, 5 fig.

Frye, R.N, 1983. The political History of Iran under the Sasanians: the rise of the Sasanian. In: Yarshater, E. (Ed.), *The Cambridge History of the Iran* 3. Cambridge University Press, Cambridge, 116-180.

Herrmann, G., 1972. "The Sasanian Rock Reliefs: Some Significant Details", in *The Memorial Volume of the VIth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, Oxford, pp. 151-162, 8 pl.

Huff, D., 1977 a. Firuzabad - Wiege des Sassanidenreiches. Die Palaste des Konigs Ardaschir, in *Bild der Wissenschaft*, 11, 48-60.

Huff, D., 1977b. Ghala-Dokhtar-Atechkade: monuments sasanides près de Firouzabad, Iran. *Rapport préliminaire des projets de consolidation et restauration*. Organisation Nationale pour la Conservation des Monuments Historiques.

Huff, D.,1983., "Firuzabad", in *Archiv für Orientforschung*, Vol. XXIX / XXX, pp. 296-298, 1 fig.

Huff, D., 1986. Architecture: III: Sasanian period. *Encyclopaedia Iranica*, 2, 329-334.

Huff, D., 1999. Firuzabad in *Encyclopaedia Iranica*, Vol. IX, Edit by. E. Yarshater, 633-634.

Huff, D., 2008. Formation and Ideology of the Sasanian State in the Context of Archaeological Evidence. In: V. Sarkhosh Curtis / S. Stewart (Eds.): *The Sasanian Era*. London. (The Idea of Iran 3), 3159.

Keall, E., 1989. "Bišāpur", in *Encyclopaedia Iranica* (E. Yarshater, ed.), Vol. IV, fasc. 3, pp. 287-289.

Kliess, V. 1973. "Erkundungsfahrten in der Provinz Fars, 1972", in *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge, Vol. 6, pp. 67-74,fig. 73-81.

Lukonin, V. 1972., "Historical Aspects in the Study of the Monuments of Sassanian Art", in *The Memorial Volume of the 5th International Congress of Iranian Art and Archaeology, Tehran, 1968*, Tehran, 1972, Vol. I, pp. 291-294.

Marico, A., 1958. Res Gestae Divi Saporis, in *Syria*., 35.pp. 295-360

Reuther,O., 1938. Sasanian Architecture. In: *A Survey of Persian Art*, A. U. Pope (Ed.), 1: 493-587.

Sarfaraz, A. 1970., "Bishapur, Excavation Report", in *Journal of the British Institute of persian studies: Iran*, Vol. 8, p. 178.

Sarfaraz, A. 1975., "A new Discovery at Bishapur", in *Journal of the British Institute of persian studies: Iran*, Vol. 13, p. 171, 2 pl.

Shahbazi, A. Sh.1986., "Ardashir I", in *Encyclopaedia Iranica* (E. Yarshater, ed.), Vol. II, fasc. 4, pp. 380-381.Sprengling, M. 1937 "A New Pehlevi Inscription", in *American Journal of Semitic Languages and Litteratures*, Vol. LIII, pp. 126-144.

Sprengling, M. 1953. *Third Century Iran. Shapur and Kartir*, Oriental Institute of Chicago, 114 pp. (Transliteration, Translation and Notes of the Pahlavi Inscription of Shapur and Kartir on the Kaabah Zardusht at Naqsh-i Rustam, of Kartir at Naqsh-i Rustam and at Naqsh-i Radjab.)

Wiesehöfer, J., 1986. Ardašir I: i. History. *Encyclopaedia Iranica* ,Edited by, E. Yarshater. Vol. 2, 371-376.

Yarshater, E. 1971., "Were the Sasanians Heirs to the Achaemenids?", in *Atti del Convegno Internazionale sul Tema "La Persia nel Medioevo"*, Accademia Nazionale dei Lincei, Roma, pp. 517-533.